فهرست مطالب

[ظهور صیغه امر در بعث حقیقی 2](#_Toc387786320)

[وجوه ذکرشده برای ظهور صیغه امر در بعث حقیقی 2](#_Toc387786321)

[وجه اول: اصاله الحقیقه بنا بر نظریه دوم 2](#_Toc387786322)

[وجه دوم: اصالة‌الاطلاق بنا بر نظریه چهارم 3](#_Toc387786323)

[وجه سوم: اصالة‌الاطلاق به تقریری متفاوت 3](#_Toc387786324)

[اطلاق و اقسام آن 3](#_Toc387786325)

[بیان اصالة‌الاطلاق بنا بر وجه سوم 4](#_Toc387786326)

[اشکال به وجه سوم 4](#_Toc387786327)

[وجه چهارم: مناسبات حکم و موضوع 5](#_Toc387786328)

[نظر استاد: صحت وجه چهارم و سوم 5](#_Toc387786329)

[تقسیم بحث‌های اصولی به تحلیلی محض و غیر آن 5](#_Toc387786330)

[ظهور امر در وجوب بنا بر نظر مشهور 6](#_Toc387786331)

بسم الله الرحمن الرحيم

# ظهور صیغه امر در بعث حقیقی

بعدازاینکه نظریات چهارگانه در موضوع له صیغه امر بیان شد سؤالی که در ذیل مباحث صیغه امر مطرح است، این است که اگر صیغه امر بدون قرینه به کار رفت، آیا ظهور در بعث حقیقی دارد و یا اینکه مردد بین معانی و دواعی مختلف می‌باشد؟ در جواب این سؤال باید گفت که تردیدی وجود ندارد که درصورتی‌که صیغه امر بدون قرینه به کار رود ظهور در بعث حقیقی دارد و اختلافی در این مورد بین مسلک‌های مختلفی که در موضوع له صیغه امر بیان شد، وجود ندارد.

# وجوه ذکرشده برای ظهور صیغه امر در بعث حقیقی

البته در وجه این ظهور بین این مبانی اختلاف وجود دارد. البته بنا بر نظریه دوم و چهارم، تخریج وجه ظهور امری سهل و راحت می‌باشد اما تخریج این وجه بنا بر نظریه صاحب کفایه که دواعی را مطلقاً از موضوع له خارج می‌دانست و یا بنا بر نظریه اول که دواعی را مطلقاً در موضوع له داخل می‌دانست و می‌گفت که به ازا هرکدام وضع جداگانه‌ای صورت گرفته است، جای بحث دارد.

## وجه اول: اصالة الحقیقة بنا بر نظریه دوم

یکی از وجوهی که برای این ظهور ذکرشده است، اصالة الحقیقة می‌باشد البته این وجه مبتنی بر نظریه دوم است که موضوع له صیغه امر را بعث به داعی حقیقی می‌دانست و در مواردی که قرینه‌ای بر تعیین مراد آمر نباشد به اصالة الحقیقة تمسک می‌کرد.

## وجه دوم: اصالة‌الاطلاق بنا بر نظریه چهارم

یکی دیگر از وجوهی که برای ظهور صیغه امر در بعث حقیقی بیان‌شده است، اصالة‌الاطلاق است که البته این وجه بنا بر نظریه چهارم- نظریه صاحب منتقی الاصول- صحیح می‌باشد. بنا بر نظریه چهارم در همه موارد کاربرد، بعث حقیقی موضوع له صیغه امر می‌باشد و تفاوت هرکدام به قیود و شروط آن‌ها می‌باشد و در مواردی که قید و شرطی وجود نداشته باشد مراد همان بعث حقیقی و یا داعی حقیقی است که در دیگر نظریات مطرح‌شده است. بنا بر این نظریه وجه ظهور صیغه امر در بعث حقیقی و ایجاد متعلق امر، اصالة ‌اطلاق و عدم وجود قید و شرط می‌باشد.

## وجه سوم: اصالة‌الاطلاق به تقریری متفاوت

وجه سومی که برای ظهور صیغه امر در بعث حقیقی ذکرشده است اصالة‌الاطلاق البته به بیانی متفاوت از اصالة‌الاطلاقی که بنا بر نظریه چهارم بیان شد.

### اطلاق و اقسام آن

قبل از بیان وجه سومی که در تخریج ظهور صیغه امر در بعث حقیقی بیان‌شده است نکته‌ای درباره اطلاق و اقسام آن لازم است، بیان شود و آن این است که نتیجه اطلاق بر دو گونه می‌باشد. گاهی نتیجه اطلاق، اطلاق شمولی و داخل بودن همه اقسام در حکم است و گاهی نتیجه اطلاق تعیین احد الاقسام می‌باشد و علت این امر هم این است که گاهی تقسیمات و انواع یکشی، عرضی و در رتبه واحده هستند و اراده و قرینه آوردن برای هرکدام از این اقسام به یک اندازه مؤونه نیاز دارد که نتیجه اطلاق در این صورت شمول حکم نسبت به همه اقسام می‌باشد مانند جایی که امر به آزاد کردن رقبه می‌شویم که اقسام رقبه به لحاظ مؤونه قرینه آوردن در رتبه واحد می‌باشند ولی گاهی تقسیمات و انواع یکشی در قرینه آوردن به لحاظ عرفی متوازن و متعادل نیستند و قرینه آوردن برای یکی مؤونه بیشتری نسبت به دیگری نیاز دارد و اراده همه اقسام هم ممکن نیست مانند واجب توسلی و واجب تعبدی که قید واجب تعبدی، قید وجودی است و اگر این قسم را شارع بخواهد اراده کند باید تصریح به آن کند مثلاً اینکه قصد امر لازم است اما قید واجب توسلی وجودی نیست بلکه عدمی است و نیازی به‌تصریح به اینکه قصد امر لازم نیست، نمی‌باشد که قرینه آوردن برای این قسم اخف المؤونه می‌باشد. در این صورت نتیجه اطلاق تعیین احد الاقسام و انصراف حکم به قسمی که اخف المؤونه است، می‌باشد چون مولی در مقام بیان بوده است و اگر آن قسمی که نیاز به قید و مؤونه بیشتری دارد، مراد او بود حتماً بیان می‌کرد و قید را می‌آورد و چون قید را نیاورده است پس آن قسم مراد شارع نبوده است.

### بیان اصالة‌الاطلاق بنا بر وجه سوم

بیان اصاله الاطلاقی که در اینجا بیان‌شده است این است که هرچند در بدو امر معانی مختلفی و یا دواعی مختلفی که برای صیغه امر بیان‌شده است در عرض هم به نظر می‌رسد اما چون اراده همه معانی و دواعی ممکن نیست و همچنین به لحاظ عرفی اراده معنای بعث حقیقی یا داعی بعث حقیقی نسبت به موارد دیگر اخف المؤونه می‌باشد و اراده دواعی دیگر مانند تهدید یا تعجیز نیاز به مؤونه بیشتری دارد پس وقتی شارع قرینه‌ای نیاورد عرفا نتیجه اطلاق، انصراف حکم به بعث حقیقی می‌باشد. تخریج این وجه به بیانی که ذکر شد بنا بر نظریه صاحب کفایه و یا دیگر نظریات صحیح می‌باشد اما اصالة‌الاطلاق به بیانی که بر مبنای نظریه چهارم بیان شد فقط بر طبق همان نظریه صحیح است.

### اشکال به وجه سوم

مناقشه‌ای که به وجه سوم واردشده است این است که این‌گونه نیست که بعث حقیقی نسبت به سایر معانی و دواعی اخف المؤونه باشد بلکه همه این معانی و دواعی در رتبه واحده می‌باشند و مانند واجب توسلی و تعبدی نیست که قرینه یکی وجودی و قرینه دیگری عدمی و درنتیجه اخف المؤونه باشد بلکه قرینه آوردن برای همه این معانی و دواعی وجودی و در رتبه واحده می‌باشد پس اصالة‌الاطلاق نمی‌تواند این ظهور را ثابت کند. هرچند این مناقشه فی‌الجمله وارد می‌باشد اما در ادامه بحث، نکاتی در تکمیل این بحث بیان خواهد شد.

##  وجه چهارم: مناسبات حکم و موضوع

وجه چهارمی که در تخریج ظهور صیغه امر در بعث حقیقی بیان‌شده است، حکم عقل و یا به تعبیر دیگر مناسبات حکم و موضوع می‌باشد که حکم عقلی می‌باشد به این بیان که موضوع له صیغه امر -بنا بر مبنای صاحب کفایه و مختار - انشا طلب و بعث می‌باشد و دواعی خارج از موضوع له می‌باشند اما به‌حکم عقل انشا طلب و بعث با بعث و طلب حقیقی سنخیت و مناسبت بیشتری دارد و در مواردی که قرینه‌ای بر تعیین مراد وجود ندارد، به‌حکم عقل - مناسبت حکم و موضوع- بعث به داعی حقیقی، اراده جدی آمر می‌باشد.

## نظر استاد: صحت وجه چهارم و سوم

وجه چهارم که درواقع حکم عقلی می‌باشد صحیح می‌باشد و می‌توان به آن تمسک کرد و این وجه و حکم عقل نیز می‌تواند مؤیدی بر صحت وجه سوم هم باشد چون هرچند دواعی و معانی مختلف در رتبه واحده هستند اما باوجوداین حکم عقلی بر مسانخت بین انشا طلب و بعث حقیقی بعث حقیقی نسبت به سایر معانی و دواعی اخف المؤونه می‌باشد پس نتیجه اطلاق در مقام تعیین بعث حقیقی می‌باشد؛ و ارتکاز هم بر این است که در مواردی که قرینه‌ای وجود ندارد بعث حقیقی مراد است.

# تقسیم بحث‌های اصولی به تحلیلی محض و غیر آن

البته نکته‌ای که در اینجا قابل‌ذکر است و شهید صدر هم به آن اشاره‌کرده‌اند، این است که بحث‌های اصولی بر دو قسم است گاهی بحث‌های تحلیلی محض و علمی می‌باشد و اختلاف‌نظرها ثمره عملی ندارد مانند بحثی که در بالا بیان شد و یا منشأ اختلاف معنای حرفی و اسمی که همه اختلاف معنای حرفی و اسمی و یا ظهور صیغه امر در بعث حقیقی را قبول دارند ولی در وجه این اختلاف معنا یا ظهور، اختلاف‌نظر دارند ولی گاهی بحث‌های اصولی بحث تحلیلی صرف نیست و اختلاف‌نظر در آن موارد ثمره عملی دارد مانند اختلاف‌نظر در اینکه آیا شرط مفهوم دارد یا خیر؟

# ظهور امر در وجوب بنا بر نظر مشهور

جهت دومی در ذیل مباحث امر وجود دارد این است که آیا امر، ظهور در وجوب دارد یا اینکه ظهور در ندب دارد و یا اینکه در هیچ‌کدام ظهوری ندارد و تعیین هرکدام نیاز به قرینه دارد؟ نظر مشهور در جواب به این سؤال این است که امر ظهور در وجوب دارد البته در وجه این ظهور اختلاف‌نظر وجود که بعضی وجه ظهور را اطلاق و مقدمات حکمت و بعضی وجه ظهور را حکم عقل و عده‌ای هم وجوب را جز موضوع له صیغه امر می‌دانند. البته در ذیل هرکدام از این احتمالات هم تقریرات متفاوتی وجود دارد.